

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال هجدهم - شماره ۱۳۵
پاییز ۱۳۹۹

حوزه معنایی امداد در قرآن؛ میدان معنایی امداد الهی توسط فرشتگان

طیبه حیدری راد^۱

چکیده

قرآن، متنی ذوبطون و چندلایه است و کشف لایه‌های معنایی آن، نگاهی روشمند می‌طلبد. پژوهش حاضر به دنبال ارائه یک الگوی معناشناختی جامع، برای امداد الهی توسط فرشتگان بر اساس روش معناشناسی است و نگارنده تلاش کرده تا در زنجیره کلامی آیات به هم پیوسته ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره آل عمران و ۹ سوره انفال، بر اساس نسبت‌های بینامتنی، هم‌نشینی و جانشینی، واژگان مرتبط را تحلیل و جهان بینی قرآنی واژه را ارائه دهد و به شیوه تفسیر قرآن به قرآن، از سایر آیات مرتبط، به عنوان مؤید مدد جوید. دستاورد حاصله بر مبنای آیات این است که از هم‌نشینی واژه کانونی امداد، با واژه‌های صبر، تقوا، هجوم دشمن، زمان و فوریت، هزار، سه هزار، پنج هزار، مسؤمین، مردفین، منزلین، مؤمنین، استغاثه، استجابیت، نجات و کفایت، بالاترین بسامد ارتباطی با «رب» و «فرشته» رخ داده و از جمله جانشین پربسامد امداد، «نصرت و یاری» قابل ذکر است. این نوع امداد مخصوص مؤمنان و مشروط به شرایطی است که نصرت، یاری، پیروزی، بشارت، اطمینان قلبی، تقوا و شکرگزاری را به ارمغان آورده و در عوض، نابودی، ناامیدی و خواری را برای طرف مقابل به دنبال دارد. امدادی تام، مستمر، مکفی و نجات‌بخش است که امدادگر اصلی آن خداست که توسط عوامل مادی و معنوی، امدادسانی را انجام می‌دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، میدان معنایی، امداد، رب، فرشته.

۱. طیبه سطح ۴ گرایش تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء (ع.ا.س)؛ haidarerad2010@gmail.com

مقدمه

سنت‌های مختلفی در زندگی بشر جریان دارد که یکی از آنها، سنت امداد است. از نظر جهان بینی قرآن، این سنت، اهمیت بسزایی در سرنوشت مؤمنان دارد و آیات متعددی بیانگر آن هستند؛ به گونه‌ای که آیاتی که لفظ امداد در آن به کار رفته، جمعاً ۳۲ مورد است که از این میان، فقط ۳ آیه (آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵ و انفال: ۹) مرتبط به بحث نوشتار حاضر است.^۱ این سه آیه به علت این که بیانگر امداد الهی توسط فرشتگان می‌باشند، محور کار قرار گرفته‌اند و از بقیه آیات قرآن، که بنا به دلایلی مانند: قرارگرفتن در صدر و ذیل آیه مورد بحث و رعایت سیاق و جانشینی واژگان، مرتبط با این زنجیره به هم پیوسته هستند، به روش تفسیر قرآن به قرآن و به عنوان مؤید، استمداد جسته می‌شود.

آن چه نگارنده از میان مسائل گوناگون امداد، در مقام تحقیق آن است، تحلیل مسئله‌ای تحت عنوان حوزه معنایی امداد الهی توسط فرشتگان در مکانیسم معنایی قرآن است؛ زیرا قرآن به مباحثی مستور و کاربردهای متفاوتی از ارتباط امداد الهی، فرشتگان، مؤمنان، صابران، متقین و مستغیثین خبر می‌دهد.

اثرگذاری حیاتی امداد در شاکله نظام اعتقادی و اجتماعی از یکسو و دستیابی به اهداف معناشناسی قرآن، از جمله: استخراج سازمان معنایی واژگان در نظام پیوسته و شبکه معنایی قرآن، تفهیم و تفسیر و تعبیر قرآن، که با استفاده از زنجیره به هم پیوسته واژگان و معانی خود قرآن صورت می‌گیرد، کمک قابل توجهی به تفسیر موضوعی و نظریه‌پردازی قرآنی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، سبب روآوری محققان به معناشناسی شده است که یکی از روش‌های

۱. اِنْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمَدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ اَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ؛ در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟». (آل عمران: ۱۲۴) بَلَىٰ اِنْ تَضْبِرُوْا وَتَتَّقُوا وَاْتَاكُمْ مِنْ قُوْرِهِمْ هٰذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (آل عمران: ۱۲۵) اِنْ تَسْتَعِيْثُوْنَ رَبُّكُمْ فَاسْتَجَابْ لَكُمْ اَنْيُّ مُمَدِّدْكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را که از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم. (انفال: ۹)

موجود در مطالعات قرآنی به شمار می‌رود. این روش، با بررسی ابعاد متفاوت یک مفهوم، سعی در کشف معنای مورد نظر آن از دیدگاه قرآن دارد و به سبب توجه به این ابعاد، قادر به کشف معانی جدید از مفاهیم و ارائه جهان بینی قرآنی از واژه خواهد بود. بدین جهت ضروری می‌نماید به این بحث از منظر میدان معنایی پرداخته شود. از این رو نوشتار حاضر، ضمن تعریف و تبیین مفهوم لغوی، پایه و اصطلاحی امداد و مفاهیم میدان معنایی، معناشناسی، جانیشینی، همنشینی و معناشناسی قرآنی، به این سؤالات پاسخ می‌دهد که چه آیاتی به امداد الهی به مؤمنان توسط فرشتگان پرداخته‌اند؟ واژگان جانشین و همنشین امداد چه کلماتی‌اند و چه ارتباطی با هم دارند؟ در این زنجیره کلامی، شرایط، کیفیت و کمیت امداد چگونه است؟ چه کسانی امدادگرند و دستاورد امداد چیست؟

شایان ذکر است در زمینه امداد، کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده که هر یک از زاویه‌ای خاص به آن پرداخته‌اند، علاوه بر این، در کتب تاریخی و تفاسیر نیز نکات راهگشایی به چشم می‌خورد. از جمله: مقاله «امداد از دیدگاه قرآن کریم، عوامل و زمینه‌ها» اثر ابوالفضل اشکذری، نوشته اخیری است که درباره امداد در قرآن نگاشته شده است. (متن الکترونیکی، نمایه شده در سایت آیت الله اشکذری). همچنین «فرشته و نقش آن در امداد الهی از منظر مفسران» مقاله دیگری است که محمدتقی شاکر و محمود قیوم زاده در نشریه مطالعات تفسیری در تابستان ۱۳۹۳ به رشته تحریر درآورده‌اند.

با بررسی انجام یافته، نوشته‌ای که به صورت مستقل یا حتی ضمنی، به میدان معنایی امداد پرداخته باشد، یافت نشد. از این رو نوشتار حاضر به تحلیل مطالب مغفول و مجهول در این عرصه پرداخته و علی‌رغم استفاده از نتایج حاصله از جستارهای پیشین، ایستا و راکد نمانده و با اجتهاد و پویایی در این حیطه، در خلال یافتن معانی مربوطه از طریق انعطاف به ساختار کلمات در ارتباط با دیگر واژه‌های قرآنی، معناشناسی واژگان قرآنی، تفسیر قرآن به قرآن و تجزیه و تحلیل زبان شناسانه قرآن، به نوآوری‌هایی نائل آمده است.

این نوشتار به روش مطالعات کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از تفاسیر متقدم و متأخر فریقین و کتب لغوی و روایی با رویکرد توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

۱. مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به مباحث، واژگانی که آشنایی با آنها ضروری است، تعریف می‌شود.

۱.۱. امداد

الف) معنای پایه و لغوی: امداد از مدّ گرفته شده است که ابن‌فارس (م ۳۹۵) و زبیدی (م ۱۲۰۵) آن را اصل واحدی می‌دانند که بر کشیدن شیء در طول، متصل کردن چیزی به چیز دیگر، وصل کردن، گستردگی و امتداد دلالت می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۶۹ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۵۵). از معانی دیگر آن، انبساط و امتداد است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۵۲) و «مدّت» نیز که برای زمان مستمر به کار می‌رود از همین باب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۵). این واژه بر زیاد شدن، فزونی و کشیدن هم دلالت دارد، چنان‌که زمان مدّ آب رودخانه، بر آب آن افزوده می‌شود (رک: ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۰۷؛ ابن‌درید، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵ و ج ۲، ص ۱۰۰۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۹۶؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۵۹۶ و قرّشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۴۲). همچنین برخی لغویون آن را به معنای اعطا، اعانه و یاری کردن دیگری معنا کرده‌اند (رک: زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۲۸۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۶۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۱۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۸ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۵۵). «امداد» بیشتر در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود؛ بر خلاف «مدّ» که در موارد ناپسند و ناخوشایند استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۵). امداد منحصر به امور مادی نیست و در معنویات نیز به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۵۲). همچنین برخی امداد را به معنای تأخیر در اجل، مهلت دادن، نصرت و یاری کردن سپاهیان به جماعتی غیر از خودشان تعریف کردند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۸؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۳۷ و زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۵۵)

معنای مد نظر در مقاله حاضر، معنای انتصار و یاری خدا به مؤمنان است که با معنای فزونی بخشیدن نیز تلازم دارد، زیرا هنگام کمک به دیگران، در واقع به نیروی آنها افزوده می‌گردد.

ب) مفهوم اصطلاحی امداد: به معنای یاری رساندن به صورت متصل، مداوم و پی‌درپی است (داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۴)؛ بنابراین امداد به یاری‌کردنی اطلاق می‌شود که جنبه دائمی داشته باشد و به صورت مستمر ادامه یابد. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳۸)

۱.۲. معناشناسی

معناشناسی، مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). به طور کلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا و دانش بررسی و مطالعه معانی در زبان‌های انسانی را معناشناسی می‌گویند.^۱ این علم معمولاً بر روی رابطه بین دلالت‌کننده‌ها مانند لغات، عبارت‌ها، علائم و نشانه‌ها و این‌که معانی‌شان برای چه استفاده می‌شود، تمرکز دارد. ایزوتسو، معناشناسی واژگانی را این‌گونه تعریف می‌کند: مطالعه تحلیلی درباره کلمات زبان به منظور شناخت جهان بینی قومی. (ایزوتسو، ۱۳۸۱، ص ۱۴)

۱.۳. میدان معنایی

مجموعه‌ای از واژه‌ها به دلیل ویژگی مشترك به هم نزدیک شده و در یک حوزه معنایی جمع می‌شوند. حوزه‌ها مشتمل بر عده‌ای از واژگان بوده و بعضی از این حوزه‌ها، در دسته‌های بزرگتری با یکدیگر در ارتباط هستند و همچون جزء خاصی از یک کل بزرگتر، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند که آن را «میدان معناشناسی» می‌نامند. بدین معنا، میدان معناشناسی، دستگاهی در درون دستگاه دیگر است. (زنجانی فر، ۱۳۸۹، ص ۶۰)

بنابراین در تفاوت میدان معنایی با معناشناسی می‌توان گفت: معناشناسی، دانش و علمی است که معنا و ارتباط لفظ با آن را مطالعه و تحلیل می‌کند؛ اما میدان معنایی یکی از نظریه‌های مشهور در حوزه شناخت معنا و معناشناسی است.

۱. معادل انگلیسی و فرانسوی (semantic)

۱.۴. واژه‌های هم‌نشین و جانشین

رابطه هم‌نشینی یا «رابطه نحوی» رابطه‌ای از نوع ترکیب، میان الفاظی است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌یرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۰). به عبارت دیگر، به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. در معناشناسی زبانی، به فرآیند هم‌نشین شدن واحدهای واژگانی بر روی محور هم‌نشینی، هم‌نشینی معنایی گویند. این فرآیند سبب می‌گردد تا در زبان خودکار، واحدهای هم‌نشین شده، تابع افزایش و کاهش معنایی قرار گیرند و یا با هم‌نشینی کنار هم، معانی متفاوتی به دست آورند. (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶ و افراشی، ۱۳۸۱، ص ۲۸)

رابطه جانیشینی نیز رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آنها شوند. (شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳)

۱.۵. معناشناسی قرآن

عبارت است از استخراج و کشف ارتباط نظام‌مند مفاهیم و معانی مرتبط با هم در یک موضوع یا یک حوزه. به عبارت دیگر، معناشناسی قرآن، به معنای جهان‌بینی قرآنی و طرز نگرش قرآن نسبت به جهان است. (ر.ک: فتحی، معناشناسی آیات سبک زندگی، کرسی ترویجی، پرتال جامع علوم و معارف قرآن)

۲. شرایط امداد

در برخی آیات (آل عمران: ۱۲۴) وعده امداد به صورت مطلق و بدون قید و شرط مطرح شده است؛ اما در آیات دیگر (آل عمران: ۱۲۳ و ۱۲۵ و انفال: ۹) این وعده به صورت مشروط بیان گردیده که به سه وجه، قابل تصور است:

۲.۱. شرط زمانی

اجابت بلافاصله خداوند هنگام استغاثه مددجویان، بیانگر فوریت امداد است؛ زیرا در آیه

«...فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ...» (انفال: ۹) بر سر کلمه «استجابت»، به جای حرف «ثم» که تراخی و تأخیر را می‌رساند، حرف «ف» آمده که نشان‌دهنده فوریت و بی‌درنگی امداد الهی و استجابت او به طلب استغاثه مؤمنان است.

۲,۲. شرط کمی

یکی دیگر از شرایط امداد الهی، توجه‌کردن به کمیت است. امداد الهی در جنگ بدر زمانی صورت گرفت که مؤمنان در عده و عده دچار نقصان و ضعف بودند و تعداد آنها و امکاناتشان کمتر از دشمن بود و در توان و تعداد، دارای نقصان بودند. عبارت «أَذَلَّهُ» در آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ...» (آل عمران: ۱۲۳) بیانگر همین مطلب است که امداد، به هنگام ذلت مؤمنین صورت گرفته است. با توجه به پیوند مفهومی بین این آیه و آیه بعدی «... أَنْ يُدَكِّمَ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۴) که در آن خداوند وعده امداد داده است، می‌توان گفت یکی از معانی امداد، نصرت و یاری دادن است؛ زیرا در آن جا واژه «نَصَرَ» را آورده و در این آیه، «يُمِدُّ» آمده است.

۲,۳. شرط کیفی

یکی دیگر از شرایط محقق‌شدن امداد الهی، برخوردار بودن امدادشوندگان از شرایط کیفی و مزین‌شدن به خصلت‌هایی مانند صبر، تقوا و طلب استغاثه است که از شرایط تحقق امداد به‌شمار می‌روند و امداد به آنها مقید گشته است. مورد دیگر، برخوردار بودن از خصیصه ایمان است که به صورت مطلق و غیر مستقیم در زمره شرایط امداد الهی می‌گنجد که تحلیل میدان معنایی هر کدام از این خصایص، در خلال بررسی واژگان هم‌نشین این آیات نمودار می‌شود:

الف) صبر و تقوا: در آیه «...إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا... يُدِدْكُمْ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۵)، امداد الهی متوقف بر صبر و تقوای مؤمنان شده است؛ چون خدا با استعمال «إِنْ» شرطیه به همراه و هم‌نشینی «تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا» فرموده اگر صبور باشید و تقوا پیشه کنید، شما را مدد می‌کنم.

ب) استغاثه: از دیگر شرایط امداد، استغاثه کمک و یاری از خداوند است؛ زیرا در آیه «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ...» (انفال: ۹) بیان شده خدا شما را زمانی مدد می‌کند که از او

طلب یاری کنید، به گونه‌ای که این طلب استغاثه با «إِذْ» هم‌نشین گشته و مددکردن خدا به زمان استغاثه طلبی مددجویان مقید شده است.

این‌که استغاثه، طلب چه چیزی بوده است؟ ظاهراً طلب کمک، یاری و پیروزی است، چون در جواب استغاثه، مدد و یاری خدا آمده است «أَنِّي مُدِّدُكُمْ» (انفال: ۹). مؤید این مطلب، عبارتی است که در مجمع البیان آمده و آن را طلب یاری و کمک دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۰۹). همان‌طور که در سوره قصص، شخصی که پیرو حضرت موسی عليه السلام بود نیز با این واژه درخواست کمک و یاری کرده است: «فَأَسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ» (قصص: ۱۵)، بنابراین کمک و یاری، از معانی امداد است.

اگرچه گفته شد که در برخی آیات، تحقق امداد، مطلق آمده و مقید به شرطی نشده است، اما به نظر می‌رسد موارد اطلاق را نیز بر مقید حمل نمود؛ زیرا در آن جا نیز به صورت غیر مستقیم به شرط امداد اشاره شده است؛ در آیه «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدِّدَكُمْ رَبُّكُمْ» (آل عمران: ۱۲۴) پیامبر از مؤمنان درباره کفایت کردن امداد الهی سؤال می‌کند و این، دال بر مؤمن بودن مددشوندگان است. همچنین از عبارت «لِلْمُؤْمِنِينَ» این معنا برداشت می‌شود که امداد، مخصوص مؤمنین است و غیر مؤمنین را شامل نمی‌شود. بنابراین با توجه به آیه، این نوع امداد، امداد خاصی است که دامنه آن محدود به مؤمنان است و غیر آنان را شامل نمی‌شود و برخورداری از صفت ایمان نیز می‌تواند از شرایط تحقق امداد محسوب شود.

۲.۴. شرط هجومی

یکی دیگر از موارد محقق شدن امداد، هنگامی است که دشمن به مؤمنان هجوم می‌آورد و فوران و خروش می‌کند. در این آیه «... وَيَأْتُوكُمْ مِنْ قُدْرِهِمْ هَذَا يُدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۵) خدا پس از امر به صبر و تقوا، هجوم فورانی دشمن را شرط امداد دانسته است. البته برخی از مفسران گفته‌اند: منظور از «فور»، غلیان و جوشش است و به صورت مجاز و استعاره در سرعت، شتاب و مهلت نداشتن در کاری و همین ساعت به کار رفته است (رک: زمخشری، ج ۱، ص ۴۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۰) و برخی مراد از آن را فوران

خشم و غضب از جنگ بدر دانسته اند (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۲۹). به نظر می‌رسد یک نحوه تلازمی بین هر دو مفهوم باشد؛ چون لازمه خشم دشمن، سرعت و تعجیل در هجوم است و به تبع آن، خداوند نیز فوراً مؤمنان را امداد می‌کند.

۳. امدادگران

آیات قرآن در فرایند امداد، دو دسته امدادگرا را نام برده که هر کدام دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث شده با لفظ خاصی به کار برده شوند. این دو دسته عبارتند از:

۳،۱. خداوند

استناددادن امداد به پروردگار در برخی از آیات، بیانگر امدادگری خداوند است که در آنها امداد، یا به واژه رب نسبت داده شده است؛ مثل «...يُؤَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۵) و «...أَنْ يُدِّدَكُمْ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۴) یا به ضمیر متکلم وحده‌ای که مرجع آن نیز کلمه رب است و با حرف مشبیه بالفعل إِنَّ تَأْکِيد شده است: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ... أَلَيْسَ لَكُمْ...» (انفال: ۹). در این آیاتی که درباره امداد الهی در جنگ است، به کار رفتن واژه «رب» به جای واژه «الله»، دال بر این است که پروردگاری که تدبیر جهان به دست اوست، مدیر، مدبر و مربی نیز هست و جنگ و کشتار نیز به منظور تربیت انسان هاست و این، خارج از دایره تدبیر پروردگار نیست. بنابراین، آیات تصریح دارد که این امداد، الهی بوده و مؤیدات آن، آیاتی است که خدا را ولی و سرپرست مؤمنان و بهترین یاری‌کنندگان معرفی نموده است: «وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا؛ ولی شما خدا است» (آل عمران: ۱۲۲) و «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ» (آل عمران: ۱۵۰) یعنی کسی که ولایت دارد، امداد نیز از او صادر می‌شود و بهترین یاری‌کننده است. همچنین آیاتی که بشارت‌دهنده به مؤمنان است و یاری و نصرت را به «الله» نسبت می‌دهند، بیانگر الهی بودن امداد است: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ «... نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ پیروزی نزدیک است و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)» (صف: ۱۳)؛ «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ؛ و یاری کردن شما توسط فرشتگان نیست، مگر از جانب

خداوندی که در حکم [و اراده اش] مغلوب نمی شود» (آل عمران: ۱۲۶). با توجه به آیه قبل از آیه مورد بحث (آل عمران: ۱۲۴) «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ...» (آل عمران: ۱۲۳)، که نصرت در بدر به «الله» اسناد داده شده، فهمیده می شود که این امداد الهی است؛ چون نصرت در جنگ بدر را به خدا نسبت داده و آیه مورد بحث (آل عمران: ۱۲۴) درباره امداد الهی در جنگ بدر بوده است. بنابراین یک تلازم معنایی بین امداد و واژه «نَصَرَ» وجود دارد و این برداشت حاصل می شود که یکی از معانی و مصادیق امداد، نصرت و یاری دادن است.

۳.۲. فرشتگان

دومین گروه از امدادگران، فرشتگان هستند که در آیات امداد، به صورت جمع معرفی شده است. الف و لام «الْمَلَائِكَةُ» در سه حالت مختلف استعمال شده است: «...أَنْ يُدَكِّمَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ» (آل عمران: ۱۲۴)؛ «...يُؤَيِّدُكُم بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران: ۱۲۵) و «...أَنِّي مُدَكِّمٌ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزِدِّينَ» (انفال: ۹). به کار رفتن «مَدَّ» با حرف جرّ «باء» و واژه «ملائکه» بیانگر این است که امداد الهی در این جا با واسطه اسباب و توسط فرشتگان صورت گرفته و مستقیم و بی واسطه نبوده است.

اما در این که چه تعداد از آنها امدادگر بوده اند، نیاز به بررسی هم نشینی و جانشینی واژگانی دارد؛ زیرا تعبیر مختلفی مانند: هزار، سه هزار و پنج هزار بیان شده است. در هزار فرشته، واژه «مُزِدِّينَ» هم نشین آن است که بیانگر فرشتگانی است که در جلو هستند و فرشتگان دیگر را به دنبال خود و در ردیف، کنار و تبعیت خود می آورند؛ همان طور که در آیه: «قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ» (نمل: ۷۲)، واژه ردف را به کار برده است که می توان گفت چیزی که کفار برای آن عجله داشتند، عذاب آنان به واسطه امداد رسانی فرشتگان مُرَدِف است که در این جا نیز با واژه «ردف» به آن اشاره شده است. مؤید آن، سخن برخی است که آن را همان روز بدر دانسته اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵۳۲)

همچنین در آیه: «تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ» (نازعات: ۷)، واژه رادفه به معنی تبعیت و پشت سر آمدن است که بعد از عبارت «تتبعها» آمده و به معنی تبعیت و به دنبال آمدن است. بنابراین در آیه

۱۲۴ سوره آل عمران، خداوند مؤمنین را به فرشتگانی که از آسمان فرود می‌آیند، یاری و امداد کرده و به تعداد فرشتگان امداددهنده تصریح شده است که سه هزار هستند و واژه «مُنزَلِينَ» هم‌نشین آن است؛ از این واژه فهمیده می‌شود که امداد، از آسمان به سوی زمین صورت گرفته است؛ چون انزال، فرود آمدن از بالا به پایین است و این‌که در آیه ۱۲۵ آل عمران، به پنج هزار اشاره شده و واژه هم‌نشین آن «مُسَوِّمِينَ» است و تحقق امداد در این آیه، مشروط به شرایطی در جنگ احد بود که محقق نشد؛ سخن برخی از مفسران این مطلب را تأیید می‌کند (رک: رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۵۲-۵۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۹۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۲۸ و مراغی، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۸). البته برخی دیگر آن را مربوط به جنگ بدر می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۸)

بنابراین نتیجه به نظر می‌رسد که تعداد آنها سه هزار بوده است؛ چون منظور از هزار تا این است که آنها جلودار و به ردیف بوده‌اند که فرشتگان دیگر را به دنبال و پشت سر خود آورده‌اند، با سه هزار هم‌خوانی دارد. اما با توجه به آن‌چه در روایات به علامت داربودن ملائکه و عمامه سفید بر سرداشتن آنها اشاره شده، می‌توان گفت تعداد آنها همان پنج هزار بوده است و هزار و سه هزار، همان ردیف و پشت سر هم آمدن آنهاست (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۸۵ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۸۸)؛ اگرچه مجاهد تعداد آنان را هزار دانسته و معتقد است خدا در جواب استغاثه، آنان را فرستاده بود. (رک: رازی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۷۱)

از نظر نگارنده، تعداد فرشتگان، سه هزار بوده است؛ زیرا واژه هم‌نشین آن، «مُنزَلِينَ» است که به صورت اسم مفعول به کار رفته و به معنای نازل شدگان است در مقابل دو واژه دیگر «مُسَوِّمِينَ» و «مُزْدَفِينَ» که هر دو، اسم فاعل و به عنوان صفت و قید توضیحی برای فرشتگان نازل شونده هستند. بنابراین سه هزار فرشته نازل شدند که علامت آنها این است که به ردیف نازل شده‌اند. در تأیید این مطلب می‌توان به قول علامه تمسک جست؛ چرا که ایشان بر خلاف برخی از مفسران، ملائکه مسؤمه را مربوط به جنگ بدر دانسته است که اگر آن را در کنار روایاتی قرار دهیم که از علامت داربودن ملائکه در جنگ بدر سخن گفته‌اند، این نتیجه به دست می‌آید که تعداد آنها، همان سه هزار است که علامت دار و به ردیف آمدند و تعدادشان زیادترو به اندازه پنج هزار دیده شده است.

شایان ذکر است که پنج هزار فرشته امدادگر علامت دار بودند و در آیات دیگری نیز واژه «مَسْوَمَه» به همین معنا به کار رفته است؛ از جمله در این آیات: «مَسْوَمَه عِنْدَ رَبِّكَ وَ مَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ» (هود: ۸۳)؛ «مَسْوَمَه عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۳۴) و «وَ الحَيْلِ الْمُسْوَمَه» (آل عمران: ۱۴).

در واقع مسوومین، اسم فاعل از باب تفعیل است که تکثیر را می‌رساند یا از «سوم» به معنی نگهبان است یا از «سمه» به معنای علامت. ابن عاشور (م ۱۳۹۳ق) می‌گوید: به خاطر کنایه از شداد بودن ملائکه، مسوومین صفت آنها قرار گرفته است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۰). با توجه به این سخن می‌توان گفت: علامت این فرشتگان امدادگر، شداد بودن آنها بوده است و می‌توان آن را مؤیدی برای قول سه هزار دانست که علامت دار بودند.

۴. کمیّت امداد

حدود امداد رسانی به‌گونه‌ای است که به صورت تام و بی‌عیب و نقص انجام می‌شود و همین قدر که خدا امدادگر است، دال بر تمامیت و مکفی بودن امداد است و آن را در حق مؤمنان تا سرحد کمال و بی‌نیازی انجام می‌دهد.

از عبارت «... أَلَّنْ يَكْفِيكُمْ أَنْ يُدْكُمَ رَبُّكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۴) معلوم می‌شود که این امداد برای نصرت و پیروزی، کفایت‌کننده است؛ چون جمله در قالب استفهام تقریری همراه با حرف «لن» بیان شده که تأکید نفی را دربردارد و از مؤمنین بر کافی بودن مدد خدا اقرار گرفته است؛ زیرا خدا امر امداد را اقامه می‌کند و به تنهایی، امداد رسان است و گرچه سایر امور و فرشتگان، واسطه این امداد رسانی شوند، اما به اذن او و با تدبیرگری او انجام می‌دهند.

در تأیید این مطلب می‌توان آیه «... كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ...» (احزاب: ۲۵) را مثال زد که خداوند مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز کرد و آنها را تا پیروزی مدد داد و امر فتح و نجاح آنها را خود خداوند اقامه نمود که با واژه «الله» که اسم علم خداوند است بیان شده است. فراهیدی (م ۱۷۵ق) نیز در تعریف واژه «کفی» به اقامه نمودن امر اشاره کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۱۳). بنابراین خود خداوند به نفسه و بالذات، اقامه‌گر امداد است و فرشتگان و

سایر امور، امدادگران با واسطه و به اذن الهی هستند که امدادی مداوم، همیشگی و مستمر را در طول حیات مؤمنان برای ایشان رقم می‌زنند که منحصر به دوره خاصی نیست و این را با توجه به دامنه شمولی آیات و مضارع بودن افعالی که بیانگر امداد رسانی هستند، می‌توان دریافت؛ زیرا فعل مضارع دلالت بر تجدد و استمرار دارد. بر این اساس، آیات: «إِذْ تَقُولُ... يَكْفِيكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۴)؛ «... يَأْتُوَكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ... يُنذِرُكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۵) و «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ... أَنْتِ مُنذِرُكُمْ...» (انفال: ۹)، علاوه بر این که استغاثه امداد به صورت مضارع استعمال شده، امداد رسانی الهی نیز با حرف «أَنَّ» به همراه اسم فاعل بیان شده که تأکید و انحصار امداد رسانی خدا را می‌رساند که همیشگی است و اراده خدا در هر زمانی نافذ است. از جمله آیات مؤید در این راستا، آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...» (احزاب: ۹) است که در آن، به ارسال جنود و لشکریانی اشاره شده که دیده نمی‌شوند و این چیزی غیر از امداد فرشتگان به مسلمانان نیست و منحصر در جنگ بدر نبوده و استمرارش در جنگ احزاب بوده است. علامه طباطبایی عبارت «جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» را به فرشتگانی تفسیر کرده که در جنگ احزاب برای نابودی لشکر کفر به کمک مؤمنان آمدند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۸۵). همین مطلب را برخی مفسران نیز تأیید کرده‌اند. (رک: رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۵۱ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰)

از ضریس بن عبدالملک از امام باقر علیه السلام نقل شده است: ملائکه یاری کننده پیامبر صلی الله علیه و آله دیگر بالا نمی‌روند تا حضرت مهدی علیه السلام را یاری کنند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷). این روایت نیز عدم انحصار امداد و استمرار آن در زمان ظهور را می‌رساند. بنابراین، با توجه به توضیحات داده شده، امداد در جهان بینی قرآنی، سنتی الهی است که ناقص، منحصر و محدود به دوره خاصی نیست؛ بلکه در طول زمان، جاری، ساری، تام و مستمر است و تجدید می‌شود.

۵. کیفیت امداد

در تبیین کیفیت و چگونگی تحقق امداد، مباحثی مطرح شده که به صورت استقرایی در دو دسته کلی جای می‌گیرند: امداد مادی، ابزاری و محسوس و امداد معنوی. هر کدام از این

دو نیز مواردی را شامل می‌شوند که باید با توجه به کاربرد واژه‌های مختلف در آیات متعدد بررسی گردد.

۵.۱. امداد مادی، ابزار و محسوس

یک گونه امداد رسانی، در قالب مادی و محسوس صورت می‌گیرد و در آیاتی که با آیات مورد بحث پیوند مفهومی دارد، مواردی از آن به عنوان فرایند ابزاری بیان شده است:

الف) ابزار خواب و امنیت: یک نحوه امداد رسانی به صورت خواب سبک بروز می‌کند که موجبات آرامش، تجدید قوا و امنیت در مؤمنان را فراهم آورد مانند: ﴿مَّمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَهُ نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَهُ مِنْكُمْ...﴾ آن‌گاه پس از اندوه، آرامشی به صورت خوابی سبک بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فرا می‌گرفت. (آل عمران: ۱۵۴) و ﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ التُّعَاسُ أَمْنَهُ مِنْهُ...﴾ و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فرا گرفت. ﴿انفال: ۱۱﴾.

ب) ابزار باران و تطهیر: نوع دیگری از امداد که قابل مشاهده و ملموس بود، نزول باران از آسمان است که سبب تطهیر و برطرف شدن پلیدی و وسوسه‌های شیطانی شد: ﴿...وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ...﴾ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد. ﴿انفال: ۱۱﴾

۵.۲. امداد معنوی

نوع دیگری از امداد رسانی به شکل معنوی رخ داده است که یا خود آیات مورد بحث و صدور ذیل آنها بیانگر آن هستند و یا آیاتی که پیوند مفهومی، موضوعی و محتوایی با این آیات دارند. در ادامه، این موارد به صورت جداگانه بیان می‌شود:

الف) کمک و نصرت: با توجه به استعمال واژه نصر در آیات و جانشینی آن به جای واژه امداد، به نظر می‌رسد نصرت و یاری، یکی از مصادیق امداد معنوی باشد و امداد خداوند، به صورت کمک رسانی و یاری به مؤمنان بوده است. در آیات: ﴿... وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا...﴾ (آل عمران: ۱۲۲) و ﴿بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ

التَّاصِرِينَ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (آل عمران: ۱۵۰-۱۵۱)، خداوند «ولی»، «مولا» و «خیر ناصرین» معرفی شده است. براین اساس، خدایی که ولی است، یاری دهنده است و در دل کفار، رعب می‌افکند. همچنین معنی امداد، یاری دادن است که از طریق القاء رعب در دل کفار حاصل می‌شود. علاوه بر این، در آیه: «وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (صف: ۱۳)، از چیز دیگری که مؤمنان آن را دوست دارند، یاد شده است و آن، نصر و یاری خداوند و پیروزی نزدیک است که به مؤمنان بشارت داده شده است. اگر این عبارات را کنار آیات سوره انفال قرار دهیم: «... وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرِذَاتِ الشُّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ...» (انفال: ۷) و «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِتَظْمَنَنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ...» (انفال: ۱۰)، که در این جا عبارت «تَوَدُّونَ» و «بُشْرَى» را به کار برده و در سوره صف، «أُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ» و «بَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (نصر و بشارت به مؤمنان) روشن می‌شود که یکی از معانی امداد، نصر و یاری دادن است؛ زیرا در سوره انفال نیز دوری از جنگ و تلفات را دوست داشتند، همان طور که در سوره صف، علاقه آنان به پیروزی و یاری بود.

از این که بلافاصله بعد از آیات امداد، خداوند آن را بشارت برای مؤمنان قرارداده و فرموده: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۶) و در آیات دیگر مثل: «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (صف: ۱۳) نیز همین بشارت فتح و نصرت آمده است، می‌توان به حلقه ارتباط بین دو واژه امداد و نصرت و یاری پی برد و یاری و کمک‌رسانی را یکی از انواع امداد در نظر گرفت.

ب) نبرد ملائکه: نصرت و امداد به مؤمنان در نبرد فیزیکی با دشمنان، از محکامات آیات قرآنی است: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ...» (توبه: ۲۵) و حضور معنوی ملائکه در نبردها و مقابله و مبارزه عملی ایشان با دشمن، منافاتی با اصول حاکمه بر آیات ندارد. مجاهد و برخی از مفسران، حضور ملائکه در جنگ بدر، احزاب و سایر غزوات را تأیید کرده‌اند؛ اما نه به صورت قتال، بلکه صرفاً برای دلگرمی مؤمنان و تقویت روحیه آنها. (رک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۲۱۹ و ج ۷، ص ۱۰۳ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۷۲)

ابن عباس (م ۶۷)، جبایی (م ۳۰۳) و برخی از مفسران با تفاوت نهادن در مصداق نبردها و

استناد به روایات، حضور ملائکه به صورت قتال را تنها در جنگ بدر و کیفیت امداد آنها در سایر نبردها را به صورت روحی و با تقویت روحیه مؤمنان و ایجاد رعب در دل کافران می‌دانند. (رک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۶؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۶۱ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۸)

برخی نیز معتقدند قتال فیزیکی آنان منحصر به جنگ بدر نبوده و در سایر غزوات مثل احزاب، حنین و بنی قریظه نیز جریان داشته است (رک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۶۷ و زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵۶). از جمله آیات مؤید در این راستا آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...» (احزاب: ۹). قرطبی (۶۷۱م) سپاه نامرئی را فرشتگانی می‌داند که به امداد مؤمنان شتافتند و میخ‌های خیمه دشمنان را کردند و طناب‌های آنها را پاره کردند و آتش دیگ‌هایشان را خاموش و آنها را سرنگون ساختند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۴۴)

آیه دیگری که بر نبرد فیزیکی ملائکه دلالت می‌کند آیه: «إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْتِي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم. پس ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید و همه انگشتان‌شان را قطع کنید» (انفال: ۱۲) است. در این آیه، به ملائکه امر شده تا به گردن و انگشتان کفار ضربه بزنند.

ج) رعب در دل کفار: از موارد دیگری که نمایشگر کیفیت امداد معنوی است، می‌توان به القاء و افکندن رعب و وحشت در دل کفار اشاره کرد؛ از جمله در آیاتی که دال بر این نوع از امداد هستند: «سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (آل عمران: ۱۵۱) و «سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ». (انفال: ۱۲) **د) کم نشان دادن کفار:** یکی دیگر از موارد امداد الهی، کم نشان دادن کفار به چشم مؤمنان است: «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَيُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ...؛ و در آن هنگام (که در میدان نبرد،) با هم روبه‌رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می‌داد و شما را (نیز) به چشم آنها کم می‌نمود»

(انفال: ۴۴). گرچه ممکن است این نوع دیدن، چون قابل مشاهده با چشم است، امداد مادی به نظر برسد؛ اما مراد از آن، امداد معنوی است و یک نحوه معرفت و بینش بخشی به چشم شخص است تا تعداد نفرات را این‌گونه ادراک و تلقین نماید و بر قوتش افزوده شود.

۶. اهداف امداد

خداوند متعال با شکل‌های گوناگون امداد رسانی (مادی و معنوی)، به دنبال رسیدن به غایاتی به نفع جبهه مؤمنان بوده است که بررسی تطبیقی واژگان جانشین و هم‌نشین، وحدت سیاق صدر و ذیل آیات مورد بحث و همگونی پیوند موضوعی و مضمونی با سایر آیات، دستیابی به این مطلوب را امکان‌پذیر می‌گرداند. در ادامه، این غایات بیان می‌شوند:

الف) بشارت: بر اساس آیات: «...بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (صف: ۱۳) و «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ...» (آل عمران: ۱۲۶)، خداوند، امداد را برای بشارت به مؤمنان قرار داد.

ب) اطمینان قلبی: از اهداف دیگری که پس از امداد آمده و بیانگر گونه‌ای از امداد رسانی معنوی الهی است، اطمینان قلبی است. در آیه: «...وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ...» (آل عمران: ۱۲۶)، خداوند با لام تعلیل، اطمینان قلبی را علت نصرت و امداد خود بیان کرده و در واقع، این اطمینان، نشان از نوع امدادی است که انجام شده است.

ج) آرامش و سکینه: آرامش، از دیگر غایات و انحاء امداد معنوی است که در چند آیه به آن اشاره شده است: «...فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ...» (توبه: ۴۰)؛ «...أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (توبه: ۲۶ و فتح: ۲۶) و «...أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...» (فتح: ۴).

د) روحیه مقاومت و استقامت: ثبات، استواری و استقامت قدم، تقویت قلوب و برخورداری از روحیه مقاومت، از جمله عوامل دیگر امداد معنوی‌اند که موجب تضعیف انگاره‌های جبهه مقابل می‌گردد و آیاتی نمایانگر آن هستند: «...وَلِيُزَيِّطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ...» و دل‌هایتان را محکم نماید و گام‌ها را با آن استوار دارد» (انفال: ۱۱)؛ «...فَتَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا...» (انفال: ۱۲) و «...إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷).

۷. دستاورد امداد

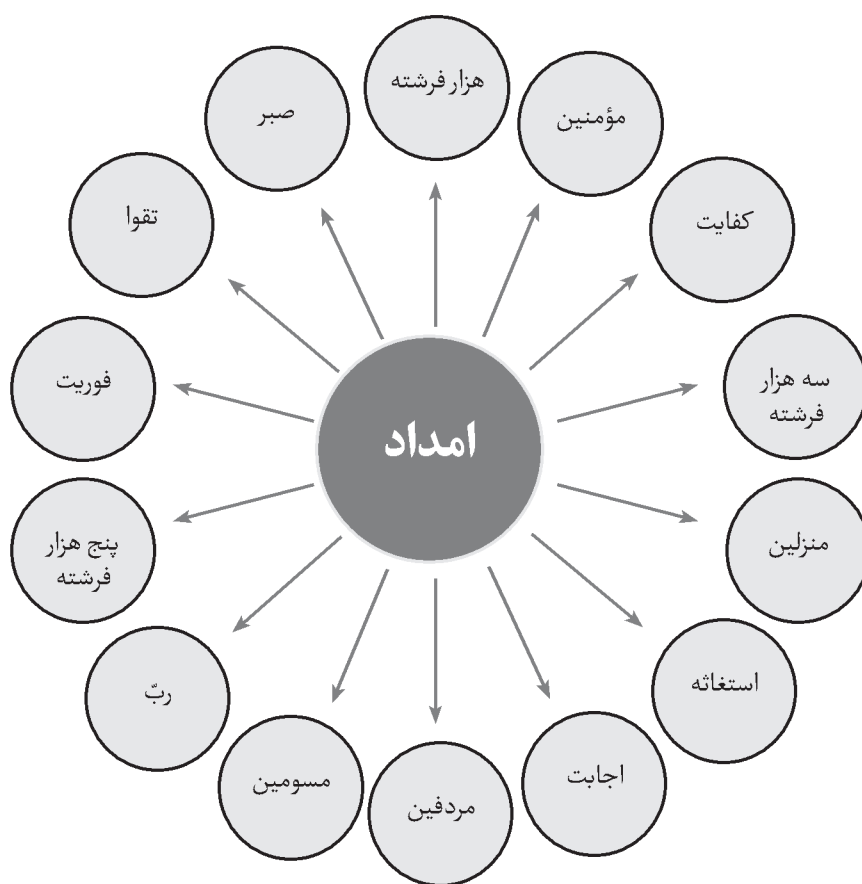
خداوند از امداد خویش در پی رسیدن به نتایجی بوده است که در آیات مختلف، با عناوین شکرگذاری، تقوا، احقاق حق، ابطال باطل، قطع ریشه کفار و نابودی، خواری و ناامیدی آنها مطرح شده است و شمول آن، آیات قبل و بعد از آیات مورد بحث را دربرمی‌گیرد. از جمله آیه: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران: ۱۲۳) که در آن، عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» دال بر این است که در قبال این امدادسانی الهی، باید تقوا و شکرگذاری انجام شود. به عبارت دیگر، امداد، علت شکرگزاری و تقواست و این امتنان مضاعفی بر بندگان است تا هم از امدادسانی برخوردار شوند و هم از نعمت شکر و تقوا بهره گیرند.

از دیگر نتایج وعده خداوند به امداد، نابودی ریشه کافران، تثبیت و احقاق حق و ابطال باطل است. از جمله: «وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الظَّالِمَاتِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ...» (به یاد آرید) هنگامی که خداوند یکی از آن دو گروه را به شما وعده می‌داد که نصیب شما خواهد شد (کاروان تجار مکه حامل اموال تجارتی از شام به سوی مکه و گروه مسلح از مکه به سوی آن قافله برای حراست آنها) و شما دوست می‌داشتید که آن گروه غیر مسلح، از آن شما باشد و خداوند می‌خواست که با کلمات خود (وعده‌هایی که از ازل در لوح محفوظ نگاشته) حق را ثابت و استوار سازد و ریشه و دنباله کافران را قطع نماید (از این رو شما را با گروه مسلح درگیر کرد) تا حق را پابرجا کند و باطل را نابود سازد...» (انفال: ۷-۸) و «لِيَقْطَعَ ظَرْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ» (و نیز این پیروزی را داد) تا پاره‌ای از کافران را از بن براندازد یا آنها را سرکوب کند تا ناامید بازگردند» (آل عمران: ۱۲۷). نتیجه و غایت وعده خداوند به امداد، از بین رفتن عده‌ای از کفار یا خوار شدن و ناامید شدن آنها بیان شده است. بنابراین، امداد واژه‌ای است که برای مومنان، نصرت، یاری، پیروزی، بشارت، اطمینان قلبی، تقوا و شکرگزاری را به همراه داشته و نابودی، ناامیدی و خواری را برای طرف مقابل به دنبال دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی میدان معنایی امداد در قرآن، آیات متعددی دال بر این مطلب وجود دارد که تنها سه آیه (آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵ و انفال: ۹)، مربوط به امداد الهی مؤمنان توسط فرشتگان است. با استفاده از یافتن ارتباط به هم پیوسته واژگان و لایه‌های معنایی سایر آیات مربوطه در زنجیره کلامی، نتایجی به دست آمد؛ از جمله این که در جهان بینی قرآن، برخی از امدادها، مخصوص مؤمنان، صابران، متقین و مستغیثین است که از ناحیه خداوند و توسط فرشتگان صورت می‌گیرد و نجات‌بخش، مکفی، مستمر و مشروط به شرایطی از قبیل صبر، تقوا و استغاثه است. کیفیت ظهور و بروز این امداد، اعم از مادی و معنوی است که در نوع مادی، به صورت ریزش باران و تطهیر و خواب سبک ظاهر می‌گردد و در گونه معنوی، از طریق نبرد ملائکه، نصرت، پیروزی، القای رعب و وحشت در دل کفار و کم نشان دادن تعداد آنها عملی می‌گردد. بشارت، اطمینان قلبی، آرامش و برخوردار شدن مؤمنان از روحیه استقامت، از جمله اهداف الهی در امداد رسانی است که دستاورد آن، برخورداری مؤمنان از تقوا و شکرگزاری است و در عوض، نابودی، ناامیدی و خواری را برای طرف مقابل به دنبال دارد. همچنین واژه کانونی امداد، هم‌نشین با واژه‌های ربّ، صبر، تقوا، هجوم دشمن، زمان و فوریت، هزار، سه هزار، پنج هزار فرشته، مسؤمین، مردفین، منزلین، مؤمنین، استغاثه، استجابت، نجات و کفایت است.

نمودار زیر، واژه کانونی و هم‌نشین‌های امداد را نشان می‌دهد.



فهرست منابع

قرآن مجید، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.

کتاب

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، *النهايه في غريب الحديث و الاثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، بی تا، *جمهره*، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا، مؤسسه التاریخ.
۵. ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. ابن منظور، *لسان العرب*، ۱۴۱۴ق، بیروت: دار صادر.
۷. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. افراشی، آرزینا، ۱۳۸۱ش، *اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ کاوش.
۹. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۰. ایزوتسو، توشی هیکو، ۱۳۸۱ش، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم: احمد آرام، بی جا: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. بحرانی، هاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *معالم التنزیل*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۳. بی‌برویش، مانفرد، ۱۳۷۴ش، *زبان‌شناسی جدید*، مترجم: محمد رضا باطنی، تهران: آگاه.
۱۴. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ش، *صحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۵. داوورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵ش، *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران: صدرا.
۱۶. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۷. راغب اصفهانی، محمد حسین، ۱۴۱۲ق، *مفردات*، قم: هجرت.
۱۸. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت: دار الفکر.
۱۹. زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، بیروت: دار الفکر المعاصر.
۲۰. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *کشاف*، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۱. _____، ۱۹۷۹م، *اساس البلاغه*، بیروت: دار صادر.
۲۲. زنجانی فر، تکتیم، ۱۳۸۹ش، *معناشناسی عبد و بررسی تطبیقی آن با مفهوم انسان کامل*، تهران: دانشکده علوم قرآن.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۴. صفوی، کوروش، ۱۳۸۴ش، *فرهنگ توصیفی معناشناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

۲۵. _____، ۱۳۸۷ش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طبیبی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷ش، *جوامع الجامع*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. _____، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو،
۲۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۰. عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ش، *التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۱. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر کبیر*، بیروت: دار الاحیاء التراث الاسلامی.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم: انتشارات هجرت.
۳۳. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *قاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *مصباح المنیر*، قم: دار الهجره.
۳۵. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۳۷. کاشانی، ملافتح الله، ۱۴۲۳ق، *زبدہ التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۸. مراغی، احمدبن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، *التحقیق*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقاله

۱. شفیع زاده، مرضیه؛ بهارزاده، پروین و فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۹۱، «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط جاننشینی و هم‌نشینی»، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۷، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۱۰۳.